



خدایگفته کردن هومر اثر ژان اگوست هنریک اینگرز در موزه تور

هومر و قدرت سیاسی

بررسی نسبت متقابل فرمانروا و فرمان‌بر

پایگاه هومر به یک وجه روایت تقابل دوسوی تعیین کننده قدرت در یک جامعه سیاسی است. دوسوی فرمانروا و فرمان‌بر. مسائل سیاسی در بررسی این موضوع این است که نسبت این دوسوی بر اساس چه موازنه‌ای به برقراری عدالت منجر می‌شود. از این رو، شعر هومر با نقل بخشی از جنگ تروا این مسأله را در نهاد آن و به لحاظ تبعات همگی آن تشریح می‌کند تا به تعریف‌های سیاسی و تعیین کننده دست یابد. در حقیقت آنچه هومر در حماسه خود تشریح کرده، تعیین آن مبانی از قدرت سیاسی است که هویت و بنیاد یک جامعه سیاسی به آن بستگی دارد و به این خاطر، شعر روایت هومر از جنگ تروا برای هر یونانی تعیین نظری از فرمان عدالت در جامعه سیاسی بوده و پیش از این تعیین کننده اساسی این آرمان در عرصه‌های غرب بوده است.

۷۲

می‌دهد که از ۱۲۲۷ چرم کاپ به اضافه لایه برترین ساخته شده است. با این توضیح، هومر کار کرد دفاعی سپهر آژاکس را بر اساس ساخت آن توضیح می‌دهد و به این دلیل، هنگامی که هکتور در نبرد با آژاکس نیزه خود را بر او می‌گوسد، نیزه نمی‌تواند در پیش از ۱۲ لایه چرم فرو رود و در هفتمین لایه از حرکت باز می‌ماند. در مقابل، سپهر هکتور چنان ساختنی ندارد و به این دلیل نمی‌تواند در برابر نیزه آژاکس مقاومت کرده و فرهم می‌شکند. فعالیت و کار کرد یک شیء، عنصر دوم از مفهوم تیمه را از بی می‌آورد و آن ارزش یک شیء است. می‌تواند در این جهان شناسی گفته، هر چیز بنا بر فعالیت و کارکردش واجد ارزشی است. روشن است که یک شمشیر در قباس با شمشیری دیگر که از فعالیت بیشتری برخوردار است، از ارزش بیشتری نیز برخوردار باشد. برای مثال، شمشیری که به دست آهنگری توانا ساخته شده و موادی مناسب در آن به کار رفته ارزش بیشتری از آن شمشیری دارد که این ویژگی‌ها را ندارد. به این دلیل، هومر فراموش نمی‌کند که در مورد سپهر آژاکس یادآوری کند که آن را بهترین سپهرساز هلنه از منطقه بتونی با ریح و تلاش ساخته است. همین موضوع در سرود هجدهم روشن تر می‌شود که تجهیزات

مفهوم همواره همین نقش را در ساختار مفهومی قدرت سیاسی بازی کرده، گرچه با تحولات سیاسی پولیس‌های یونانی داشته آن پیش از این توسعه یافته. به این دلیل، با وجود اینکه این مفهوم در دو کراسی آتن داشته‌ای بسیار گسترده‌تر از آنچه هومر تعیین کرده بود یافت اما نقش و کارکردش در تعیین دامنه قدرت سیاسی همان چیزی بود که هومر تعیین کرده بود. از این رو، لازم است که پیش از بحث از تعیین‌های سه‌گانه به اختصار توضیحی از این مفهوم داده شود.

تیمه: کارکرد ارزش و حرمت
برای درک مفهوم تیمه لازم است تا قبل از هر تبیین انتزاعی، آن را در یک نسبت جهانی و بنا بر تجربه طبیعی حرکت کرده که متکی بر عنصر اساسی کارکرده ارزش و حرمت است. در یک عینیت و تجربی در حمله نخست، متکی بر آن فعالیت و کارکردی است که یک شیء می‌تواند داشته باشد. برای مثال، سپهر چیزی است که کارکردش در اصل دفاعی است و بنا بر ساختنی که دارد می‌تواند این کارکرد و فعالیت را در درجات مختلفی داشته باشد. هومر برای غسان دادن کارکرد سپهر آژاکس بزرگه پسر تلامون، در سرود هفتم ساخت آن را توضیح

دیگران و در یک کلیت، یک جامعه است. با یک نگاه کلی به آلهامه خراج بین آکامنون و آخیلوس سوازی آنکه پیش‌تر شرح اصلی کتاب ۲۴ سرود اثر است. در آسرود خاص نسبت‌های مشخص و معینی می‌یابد. این سه سرود عبارتند از: اول، نهم و نوزدهم. ساختار تنظیم سرودها نشان می‌دهد که این سه سرود یا تعیین‌های سه‌گانه نزاع این دو، در متن روایت جنگ تروا چه جایگاهی دارند. به گونه‌ای که هر کدام به هومر راه نتایج و آثار مثبت خود معنا می‌یابند که در دیگر سرودها بیان شده‌اند. سه عبارت روشن تر، سرود نخست تعیین اولیه را وضع می‌کند که این تعیین هنگامی می‌تواند معنای خاص خود را داشته باشد که تا سرود نهم، آثار و نتایج آن در زمینه نبرد روشن شود. از این رو، از سرود نخست به سرود نهم و بی توجه به سرودهای میانه پرداختن، نمی‌تواند روشن کند که تعیین اولیه چه معنایی دارد و چگونه می‌توان از آن به تعیین هومر رسید.

علاوه بر این، تعیین‌های سه‌گانه بر اساس یک مفهوم به هم پیوند می‌خورند که بنیاد آنها را تشکیل می‌دهد. این مفهوم تیمه (time) است که هر چند گذشته‌ای پس پیش از شعر هومر دارد اما با سرود است. که در بنیان تبعات قدرت سیاسی جای گرفته. پس از هومر این

دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم زاده هومر، پایه‌گذار خود را به درخواست از موزیا - یکم از آله‌های هنر ماه - شروع می‌کند تا ششم آخیلوس را به سه مرگ باران و نزاع وی با آکامنون را بر وی بازگو کند. آکامنون فرمانده سپاه آخاییان است که شکوه و والا بی فرمانروایی او از چوب‌دست حکمرانی‌اش معلوم می‌شود که بنابر سرود هومر، ساخته دست همانستوس در المپ بوده و در اصل از آن زئوس، پسر خدایان و آدمیان - بوده و اکنون به آکامنون رسیده است. در برابر او آخیلوس قرار دارد کسی که با ویژگی‌ها و تبار نامروا - هفتاد دیگر سران سپاه یونانی - تحت فرمان آکامنون است. بنا بر این، نزاعی که هومر، آلهامه خود را با آن آغاز می‌کند نزاعی است بین آنکه فرمانرواست و آنکه فرمان‌بر. هومر، ابتدا و با چند بیت معلوم می‌کند که این نزاع نه یک درگیری شخصی است بلکه یافته‌ای است که عقابت آن دامن بسیاری از نامداران را خواهد گرفت و آنان را به سزای مرگ خواهد فرستاد و در نهایت بنابر سران زئوس می‌تواند به سه مرتجع برسد. در حقیقت هومر در ابتدای شعر، هم به اصل موضوع و هم به عقابت آن اشاره دارد و از سوی دیگر، نشان می‌دهد که دامنه آن از حدود عامه و خواست شخصی فراتر است و نثری مربوط به

آخیلوس را هفتاد و نه تن در اسب می سازند
صنعتگری نامی را یا به بیان دیگر، تواناترین
صنعتگر ممکن.

در آخر، عنصر حرمت است که مفهوم تیمه را
کامل می کند. طبیعت و کارکرد مبتنی بر ساخت
یک موجود و ارزش بر آمده از آن موجب شأن و
جایگاهی برای یک شیء می شود که حرمت
مناظره با آن شأن و جایگاه را طلب می کند
برای مثال، هومر هیچ گاه فراموش نمی کند
که چنگو پس از بازگشت از نبرد و پیاده شدن
از ارابه، نخست اسبان را از آن جدا کند و به
تیمار آنها بپردازد. این موضوع بین خدایان و
انسان ها فرقی نمی کند. زئوس در سرود هشتم،
هنگامی که از ارابه خود به زیر می آید اسبان را
از ارابه جدا می کند و ارابه را در جایی مناسب
قرار می دهد به همان صورت در سرود بیست و
سوم، آخیلوس که از کشتن چنگو باز آمده به
باز کردن اسبان از ارابه ها توجه دارد اما دستور
می دهد که پس از انای احترام به دیگر دوست
کشته شده اش - پاتروکلوس - انجام شود
اسب و ارابه ای که در میانه نبرد همراه و یاور
چنگو بودند و کارکردی پایسته داشتند
در خور حرمت هستند و هومر همواره آن را
مذکر می شود. کپن اصل در مورد هر چیزی
صاف می گوید و تمیز آن بر همان طبیعت و ارزش
یک شیء است. سیری که به دست استادکار به
دقت و رنج و همچنین اثر موادی نیکو ساخته
شده، حرمتی بیشتر از سیری دارد که چنین
ویژگی هایی ندارد و برای مثال، نباید در کنار
آن دیگری قرار گیرد.

با توجه به آن عنصر سه گانه هر چیزی دارای
تیمه ای است که باید آن را رعایت کرد زیرا
عدم رعایت آن به نظام موجود بین اشیا لغت
وارد می کند و در نتیجه بی عدالتی را گسترش
می دهد. تیمه آخیلوس کارکرد و ارزشی خاص
دارد و از این رو، پاتروکلوس در سرود شانزدهم
تمام جنگگرهای آخیلوس را به جز تیمه وی
با خود می برد. تیمه این نیزه است که همین
می کند پاتروکلوس حق برداشتن آن را ندارد
و تنها این آخیلوس است که حق استفاده از آن
را دارد نه پاتروکلوس و نه کسی دیگر که اسب
آخیلی حق استفاده از آن نیزه را ندارد چرا که
دست یاریش به آن به معنای عدم رعایت آن و
استفاده نابجا از آن است.

اکنون، مفهوم تیمه همانند هر سرود دیگر،
در نزاع بین آگاممنون و آخیلوس تعیین کننده
تمین های دو سوی نزاع و در نهایت وضعیت
عادله بین آن دو است و بر اساس آن تمین های
سه گانه می توان مشخص کرد.

تعیین های سه گانه نسبت های قدرت سیاسی
نزاع آگاممنون و آخیلوس بر سر چه بود؟
همانند مفهوم تیمه، صورت مساله در متن
واقع شکل می گیرد و پاسخ این مساله را نیز
باید به همین صورت یافت. خروسس - کاهن
آپولون - با تقدیم فدیه، خواستار بازگرداندن
دختر خود از آگاممنون شده اما او کاهن را با
بی حرمتی به نفع تیمه اش، رانده و آپولون
به سزای این عمل، سپاه آخیلی را آماج تیرهای
خود کرده است. سزای گران آخیلی در سورا به
دنبال یافتن رده جلی هستند که آخیلوس تنها
راه را در بازگرداندن دختر کاهن می داند. نزاع
او با آگاممنون از همین موضوع شروع می شود
و در ۳ سرود تمین های آن بیان می شود که به
طور خلاصه می توان این گونه تقسیم بندی کرد:
الف- سرود اول: تمین قدرت فرمانده - سرود
نهم: تمین قدرت فرمان بر - ج - سرود نوزدهم
تبادل بین این دو تمین و بر سر لاری عدالت
الف - تمین قدرت فرمانده: بازگرداندن
خروسه به پدرش علاج راهی آخیلیان از
مصیبت تیرهای آپولون است اما از سوی دیگر
چنین عملی به آن معناست که آگاممنون از

غنیبت خود چشم پوشی کند خروسه به
همراهی دیگر غنایم را آخیلیان پس از فتح
شهر تیس به دست آورند و به اعتراف آخیلوس،
تقسیم غنایم در میان غنایم جهدرستی در
میلان آخیان انجام گرفت و بهره آگاممنون
خروسه شد و باز به اعتراف وی، اولولین گس
بود که باز پس دادن دختر به پدر را گفته است.
آیا نزاع آگاممنون با آخیلوس بر سر کنیزکی
به غنیمت گرفته شده است؟ یا وجود ظاهر
ماجرای چنین تصویری موضوع را در حد سطحی
و امیال نازل شخصی نگه می دارد و طبیعی
است که بر اساس این تصور نمی توان هیچ
قاعده و حکمی به عنوان تمین قدرت فرمانده
به دست آورد برای پاسخ به این پرسش، باید
دید که هومر ماجرا را به چه صورت بیان
می کند و ایما در کلام وی چیزی بیسی از این
تصور سطحی می توان یافت یا خیر. در ۲۰موضوع،
آنچه آگاممنون می گوید پیش از علقه شخصی
و بیان کننده قاعده ای است که آن را می توان به
عنوان تمین قدرت برای فرمانده دانست.

نخستین آیهات ۱۱۴ تا ۱۲۰ از سرود اول است.
در این آیهات، آگاممنون می پذیرد که اگر
باز پس دادن خروسه به هومر سپاه ختم شود،
حاضر به انجام آن است. مشروط بر آنکه به وی
هدیه ای دهند تا همین تنها از گوسپی بانشم که
بی پادش می مانم و گرنه ناراض خواهد بود.
هدیه ای که آگاممنون صد نظر دارد گوسپی
فرد داده می شود به عبارت دیگر، گوسپی شامل

هر هدیه ای نیست بلکه با توجه
به شأن و حرمت فرد به وی داده
می شود. بنابراین، آگاممنون
پیش از چیران آنچه در دست داده
خواستار حفظ شأن و حرمت
مقام خود شد به عنوان فرمانده
سپاه است. دوم، آیهات ۱۱۲ و ۱۱۳
تا ۵ همان سرود است. آگاممنون
در قبال تهدید آخیلوس مبنی
بر بازگشت به وطن، تهدید او
را به هیچ می گرداند و به کسان
سپاه دیگری اشاره می کند
که تحت فرمان او هستند و به
همراه زئوس اندر زکو «او را تیمه
می گذارند»

این دو بخش، آشکارا استدلال
آگاممنون در لبر از خواسته اش
را بیان می کند در استدلال

آگاممنون، موضوع این نیست که او غنیمت
خود را بازگرداند بلکه موضوع از این قرار است
که در لاری این عمل چه چیزی داده می شود
تا عمل به راستی انجام شده باشد. بازگرداندن
خروسه بدون دریافت پادشای موجب می شود
تا آگاممنون تنها از گوسپی باشد که بی پادش
بماند حال آنکه او حاکم بر آگوسیان است
و این عمل به معنای نقض شأن و حرمت او
است. سپاه آخیلی در صورتی می تواند به نتیجه
نبرد امیدوار باشد که هر بخشی از آن، جایگاه
در دست خود داشته باشد و بالاترین جایگاه
مقام فرمانده و حاکم بر سپاه است. آگاممنون
آنچه را می خواهد در جهت حفظ این جایگاه
و مقام و در نهایت در جهت حفظ سپاه آخیلی
است. به همین دلیل، در شمار گسپی که تیمه
او را رعایت می کند زئوس - خدای حاکم بر
المهوس - نیز هستند یعنی این تیمه چنان
بایستگی ای دارد که زئوس اندر زکو نیز آن را
پاس می دارد. در نتیجه تمین مقام فرمانده بر
اساس تیمه آن فرمان بر را ملازم به تمین از وی
می کند و تخیلی از آن، نقض تیمه ای است که
جز بی عدالتی، نتیجه دیگری در پی نخواهد
داشت.

ب - مقام فرمان بر: در پی پاس کشیدن
آخیلوس از میدان نبرد، آخیلیان دچار خسارت

زیاد شده اند و ترواییان توانسته اند تا نزدیکی
کشتی های آنان پیش بیاوند غسارت وارده
عاقبت تحکم آگاممنون بوده و اکنون او به
خطای خود پی برده و حاضر است تاوانی عظیم
به آخیلوس دهد. آخیلیان برای نرم کردن
دل آخیلوس حیاتی متشکل از اودیستوس،
ازاکسی و فونیکس به پیش وی می فرستند
تا با ذکر ندامت و توبان آگاممنون او را برای
بازگشت به نبرد ترغیب کنند. آخیلوس با رد
توبان های آگاممنون و عذر خواهی هایش خود را
میگردد تر از آنچه می پنداشتند نشان می دهد.
آیا آخیلوس به راستی تنها از سر لجبابت و
سنگدلی است که بر کاره گیری از نیرده امرا
می ورزد؟

پاسخ را می توان از سخنان آخیلوس یافت.
آخیلوس به روشنی می گوید که اگر آگاممنون
بالاترین ثروت و دارایی عالم را هم به وی دهد
باز او از رای خود باز نخواهد گشت زیرا قدر نظر
من هیچ چیز ارزشی همانند جان من ندارد
حتی ایون با آن همه ثروتی که داراست. در
آیهات ۱۰۱ تا ۱۰۲ از سرود نهم نشان می دهد
که غنیمت او به خاطر از کف رفتن دارایی یا یک
زن نیست تا با دادن تاوانی چیران شود بلکه
غنیمت او به دلیل آن کلمه ای است که بر جان
پا پیخته وی وارد آمده است و این را با هیچ
تاوانی نمی توان چیران کرد. بنابراین آخیلوس
در برابر مقام و شأن فرمان بر به اصل دیگری
استاد می کند و آن حیات و جان فرمان بر است.
که به خاطر حکم فرمانده بر آن کلمه وارد شده
است. آخیلوس دارایی را در برابر
جان آدمی مقایسه می کند. در
این مقایسه، دلاری از کسر شده را
می توان باز پس گرفت اما جان از
کف رفته را به هیچ چیز نمی توان
باز پس گرفت. در بیان آخیلوس،
آگاممنون با برگردن بهره وی
لطیفه مالی بر وی وارد نکرده
است بلکه لغت بر جان او زده
و این را نمی توان با هیچ مال و
حتی زنی چیران کرده حتی اگر
بخواهد همان بهره را باز پس
دهد.

درست است که آگاممنون تنها
بر زئوس را از آخیلوس گرفته و
این امر در ظاهر لغت های مالی
است اما آخیلوس در چند بیت
قبل از این، به روشنی استدلال
می کند که این اقدام وی تصبیح حق از او بوده
است. در بیت های ۲۰ و ۲۱ آخیلوس عمل
آگاممنون را در برابر گرفتن بر زئوس از وی عملی
گستاخانه و از سر نفرت می نامد. در واقع، عمل
چیران آگاممنون است که موجب شده حق
آخیلوس با آن همه رشادت هایی که انجام
می دهد ضایع شود. اکنون آخیلوس نصیب حق
از خود را اطاعت می داند که بر جان وی وارد
شده و آن را غیر قابل چیران می داند. در حقیقت
این سرود به تمین خدمت سیاسی به عنوان
رعایت حق و دست اندازی به آن توجه دارد به
گونه ای که ایما فرمانروا به حکم مقامی که دارد
مجاز است تا به حقوق فرمان بر دست اندازی
کند یا آنکه مقام فرمانروایی او مشروط به رعایت
حقوق فرمان بران است؟ پاسخ آخیلوس آشکارا
چنین دست اندازی را اطاعت زدن به جان آدمی یا
گرفتنه ترین دلاری فرد می داند چرا که او را از
حیز حق انسانی محروم کرده است.

ج - تعادل بین دو تمین: با همین کشیدن
آخیلوس از نبرد برای وی بی عاقبت نیست
زیرا نتیجه آن کشته شدن بار و یاور قدیمی و
صمیمی اش - پاتروکلوس - است. در حقیقت
هر کدام از دو سوی تمین قدرت سیاسی به
تنهایی و در حدیث با دیگری به مصیبت ختم
می شود و تنها در تعادل بین آن دو است که

آیلید هومر با نقل روایت نزاع آگاممنون و آخیلوس بنیادهایی برای تبیین قدرت سیاسی وضع کرد که همواره نه تنها در حیات سیاسی یونان باستان تعیین کننده بود بلکه در تاریخ سیاسی مغرب زمین نیز نقش حیاتی داشته است

بهر روزی به دست می آید. سرود نوزدهم وضعیت
تعادل بین این تضاد را بیان می کند. از یک
سو، آگاممنون آن گستاخی و نخوت خود را به
گذاری نهاده و حتی حاضر است به سنگین ترین
سزای خود در مقابل آخیلیان دست نیاوردن به
بر زئوس را گرنه گیرد و به این وسیله رعایت
حق آخیلوس به اثبات رسد. از سوی دیگر،
آخیلوس حاضر شده است تا با بازگشت به
سپاه آخیلی بار دیگر فرمانروایی و حاکمیت
آگاممنون را قبول کند.

در آیهات ۱۰۰ تا ۱۰۲ از سرود نهم،
اودیستوس (موشمندترین آخیلی) وقیع تعادل
در تمین قدرت سیاسی را به آگاممنون گوشزد
می کند. این وضعیت در دست به معنای عدالت یا
دیکایوتوس (dikaioctos) است که پیش
از آخیلوس به عنوان فرمان بر، به آگاممنون
فرمانروا مربوط می شود زیرا هر دو سر طایمی
نیست سر زتن کردن آن پادشاهی که در
پی دلجویی از کسی است که بی جهت بر وی
خشم گرفته است. توجه به خطاب اودیستوس
اهمیت سیاسی در دو کلام تمین سوم با برقراری
عدالت دارد. اگر به کل رویداد توجه شود، تمین
اول با تحکم فرمانروا برای حفظ مقام و شأن
فرمانروایی در سپاه تمام مصائب پستی را به
وجود می آورد. بنابراین، تمین تضاد بین دو
سوی قدرت سیاسی بیش از آنکه به فرمان بر
مربوط شود، به فرمانروا ارتباط دارد چرا که
سویه فرمان بر همیشه در موضع واکنش به
فرمانروا قرار دارد. به این دلیل، اگر قرار باشد که
تمین تضاد در دو سوی قدرت سیاسی برقرار
شود، بر عهده فرمانرواست که آن را پس بدارد
تا فرمان بر، از سوی دیگر، منشأ اعمال قدرت در
حکومت پیش از آنکه از سوی فرمان بر باشد،
بر خاسته از موضع فرمانرواست. از این رو، اعمال
قدرت بر اساس تمین سوم - یعنی بر اساس
عدالت - بیش از هر کسی بر عهده فرمانرواست.
اودیستوس در آیهات به کرات کسی دانسته
شده که سخن به راستی و درستی می گوید
به صورتی که می توان دلاری بر زبان از میان
پهلوانان آخیلی را اودیستوس دانست. اودیستوس
در تمین سوم قدرت سیاسی، تضاد را بنا بر
حفظ حقوق و بر عهده فرمانروا از حق تضاد
قدرت تعریف می کند و به روشنی نشان می دهد
که آنچه در نزاع بین آخیلوس و آگاممنون پیش
آمد درس عبرتی است که باید سپس از این
پیش چشم داشت.

آیلید هومر با نقل روایت نزاع آگاممنون و
آخیلوس، بنیادهایی برای تبیین قدرت سیاسی
وضع کرد که همواره نه تنها در حیات سیاسی
یونان باستان تعیین کننده بوده بلکه در تاریخ
سیاسی مغرب زمین نیز نقش حیاتی داشته
است. به این دلیل، به حق می توان گفت اصول
وضع شده از سوی هومر اصولی است که با آن
حیات سیاسی غرب با و جان گرفت و بر اساس
آن رشد و توسعه یافت.
باید به یاد داشت که تیمه در جریان رشد
سیاسی شهرهای یونان همچنان مملک
تعیین کننده خود را حفظ کرده به صورتی که
در حاکم سیاسی آن لاین مفهوم به اختراعات و
حقوق شهروندان مربوط می شده به گونه ای
که گرفتن حق شهروندی از کسی - چه به
تمام یا بخشی از حقوق - را با عنوان سلب تیمه
از وی بیان می کردند. تیمه به عنوان سلب تیمه
لرزش و حرمت پس از یونان تعیین کننده حق
سیاسی شهروندان بود و نهایت در طول تاریخ
شهروندی مغرب زمین شدن سه گانه خود
را همچنان حفظ کنند بنابراین، بیادست که
مغرب زمین برای حفظ خود امکان تاریخی خود
همواره به هومر رجوع کند تا بتواند سرمشاهای
خود را همچنان باز تولید کند و به این وسیله
هومر همچنان آن شاعری باشد که به تربیت این
تمین می بر دارد.